

مصاحبه علمی؛ مذهب تشیع و جاذبه های درونی و بیرونی آن (در نشستی با چند تن از بانوان مسیحی مشرف شده به اسلام)

منبع : مجله بانوان شیعه، شماره ۳، ، ، ، تعداد بازدید : ۴۴۳۷ تاریخ درج : ۰۶/۰۴/۱۳۸۷

اشاره

جاذبه های درونی و بیرونی مذهب شیعه در نگاه زنان متدین سایر ادیان بسیارند. متون دینی متقن و قطعی الصدور، شریعت مستغنی و دستورالعمل های فراوانی که مانع تحیر در مقام عمل می شوند و وجود الگوهای تربیتی متعالی از مهم ترین جاذبه های مذهب تشیع به شمار می آیند. در گفت و گوی صمیمانه ای که با چند تن از بانوان مسیحی مشرف شده به اسلام (کلارا لانتسل، اودولیا مونیس و آتانوس رنالان) ترتیب داده شده اند بر این گونه نقاط مثبت در مذهب تشیع تأکید گردیده است.

سرکار خانم کلارا لانتسل (زینب لانتسل)

بانوان شیعه: خانم لانتسل، ضمن عرض سلام و تشکر، با اشاره به ملیت خود بفرمایید در مذهب تشیع، چه جاذبه هایی وجود دارند که موجبات کشش شما به این دین را فراهم نمودند؟

با سلام من اهل اتریش هستم مذهب تشیع جاذبه های بسیاری دارد، ولی شاید بتوانم در این میان، به دو محور اصلی که برای شخص من، بسیار زیبا و دوست داشتنی و مهم بوده اند، اشاره نمایم: یکی از این جاذبه ها، که در خاطرات دوران کودکی من نیز ریشه دارد، حضور با برکت جان بازان شیعه ای بود که برای معالجه به اتریش می آمدند و بنا به مناسبت هایی، ما می توانستیم در ارتباط نزدیک با ایشان قرار بگیریم و جاذبه های روحی و رفتاری ایشان را درک نماییم. بعضی از جان بازان در طول جنگ، با وجود اینکه خیلی هاشان نه دست داشتند و نه پا و صورت هایشان به خاطر گازهای شیمیایی غیرقابل تشخیص بودند، ولی از روحیه بسیار شادی برخوردار بودند و با ما بچه ها شوخی می کردند. رفتار آن ها به گونه ای بود که تأثیر عمیقی بر ما می گذاشت. به طور کلی، همیشه ابعاد عاطفی و مهرآمیز یک دین یا آیین جاذبه زیادی برای معطوف نمودن دل ها به سوی خود دارا هستند. حال اگر این عواطف در رفتار و شخصیت پیروان یک آیین مجسم شوند، می توانند بهترین زمینه را برای جذب افراد به سوی آن آیین فراهم نمایند.

اما نکته دیگری که در آیین تشیع برای شخص من جالب بود، وجود شریعت محکم در این آیین است. مراد من از «شریعت» همان دستورالعمل های ظاهری این مذهب است که برای همه عرصه های عمل مکلفان، احکامی را پیش بینی کرده است.

به نظر من، یکی از دلایلی که موجب شده است دین مسیحیت برای مردم و جوانان جذابیت های خود را از دست بدهد، این است که از ستون فقرات محکمی برخوردار نیست؛ زیرا احکام آن چارچوب خاصی ندارند و هر کس مطالب آن را به گونه ای تفسیر می کند. برای مثال، از روزه ای که در مسیحیت وجود دارد، تعریف های مختلفی در دست است: بعضی آن را به صورتی سخت تر از روزه های اسلام مطرح می کنند، و بعضی می گویند: برای تحقق روزه، فقط نباید گوشت خورد یا فقط نباید شیرینی خورد و امثال این مطالب. نماز هم در مسیحیت اختیاری است و مراسم روز یکشنبه هم اجباری نیست.

به نظر من، وقتی انسان می خواهد به هدف والایی برسد، باید تلاش بیشتری بکند و دستورالعمل های بیشتری انجام دهد. همان گونه که یک ورزش کار برای کسب مدال تلاش می کند و حاضر است برای رسیدن به پیروزی، هر دستوری را انجام دهد. در هر حال، برای رسیدن به معنویت، انجام حداقلی از امور لازم است تا نتیجه حاصل شود، و این حداقل فرایض، ستون فقرات دین است که دین بدون آن ها کم کم فرومی پاشد، و مسیحیت در غرب هم اکنون دچار چنین سرنوشتی شده است. دینی را که اناجیل و متون مقدس کنونی مسیحیت ارائه می دهند بیشتر مطالبی نظری هستند و در دین مسیحیت، دستورالعمل های جزئی و دقیقی برای چگونه زیستن وجود ندارند. یک مسیحی مؤمن اگر بخواهد به جای دیر و کلیسا در اجتماع و خانواده زندگی کند با مشکلات خاصی روبه روست؛ زیرا نگاه این دین به اصل زندگی متأهلی و روابط زناشویی مثبت نیست و تأکید مسیحیت بیشتر بر تجرد و انزواست. اگر یک مسیحی بخواهد برای درس خواندن و تحصیل مسافرت کند و یا در مقام تربیت فرزند واقع شود و یا در سایر عرصه های عملی زندگی قرار گیرد، در آموزه ها و گزاره های درون دینی متون مقدس مسیحیت، نمی تواند احکام عملی خاصی راجع به دقایق این امور به دست آورد.

ولی در آیین تشیع، این ویژگی منحصر به فرد وجود دارد که به صورتی بسیار دقیق، درباره همه مسائل و حیطه های جزئی زندگی انسان احکامی وارد شده اند. البته ناگفته نماند که این دستورالعمل ها واجب نیستند و هر کس بنا به میزان انگیزه و شوق خود، مختار است آن ها را انجام دهد اما برای همه ابعاد اندیشه و عمل، پیشنهاداتی وجود دارند. برای مثال، حتی برای نحوه اندیشیدن، که اکنون به عنوان «تکنولوژی فکر» مطرح است و تازه علمیت آن در علم روان شناسی کشف شده، دستورالعمل های ویژه و مدوئی در شریعت مستغنی تشیع وجود دارند. شاید بتوان ادعا کرد که این نکته از ویژگی های منحصر به فرد تشیع است و حتی سایر مذاهب درون دینی اسلام به خاطر اکتفا نمودن به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و محرومیت از سنت معصومان علیهم السلام، واجد چنین شریعت غنی و گسترده ای نیستند. مسلم است آیینی که می تواند در تمامی لحظه های زندگی عملی انسان

حضور داشته باشد و با عقل و منطق هماهنگ باشد، جلوی احساس تنهایی و پوچی انسان را در دنیا می گیرد. ناگفته نماند که این احساس و بخصوص بی تفاوتی نسبت به همه چیز، در بین جوانان اتریشی خیلی زیاد است.

اگر در اناجیل و متون دینی مسیحیت بر مهرورزی و گذشت تأکید می شود، قالب دقیق چگونگی این توصیه ها بیان نمی گردد و افراد ممکن است در مرحله عمل و اجرای این توصیه ها به جهالت دچار شوند. در اتریش، فرق ظاهری یک کاتولیک معتقد با یک شهروند غیرمعتقد، به حضور او در کلیسا در روز یکشنبه و یا بعضی مواقع دیگر است و نمی توان در عمل، فرق چندانی بین ایشان گذاشت. ولی مطلبی که حایز اهمیت است این است که اگر یک فرد شیعه به صورت بسیار جدی اهل عمل به همه دستورات دینی، اعم از واجب و مستحب و مکروه و حرام باشد، حتی در بیشتر اعمال روزمره و عادی زندگی خود نیز می تواند به صورتی متفاوت عمل کند و حتی اگر بخواهد و انگیزه داشته باشد، برای نحوه غذا خوردن و توفیق بیشتر در استفاده از امکانات نیز چندین دستورالعمل وجود دارند.

ما در اتریش وقتی می خواستیم به شریعت اسلام عمل کنیم، حضور دین را در جنبه های گوناگون زندگی به خوبی احساس می کردیم و به دلیل اینکه در اسلام مثلاً از شرکت در جلساتی که شراب خورده می شود و خوردن گوشت خوک و غیرحلال منع شده است، رفت و آمدهایمان با دوستان و اقوام غیرمسلمان محدود می شدند و رفتار ما از طرف آن ها شدیداً مورد انتقاد قرار می گرفت. ولی با این وجود، من حُسن و فایده تک تک این احکام را با وجود خودم لمس کردم. قابل ذکر است که مصرف بی رویه شراب و گوشت خوک جزو مشکلات بزرگ جوامع غرب به حساب می آید و برای عوارض آن، مثل الکلیسم (اعتیاد به شراب)، سرطان و تصادف های ناگوار تا به حال راه حلی جز ترک مطلق ارائه نشده است.

در غرب، عمل کردن به شریعتی که در جای جای زندگی روزمره حضور دارد دشوار است، ولی در این دشواری ها، حضور خداوند تجربه می شود و حس تقرب و ارتباط و محبت به او در عمل ظاهر می گردد. در شریعت مقدس علوی و محمدی صلی الله علیه و آله، حرکت به سوی کمال و معنویت با بجای آوردن احکام شرع و عبودیت آغاز می شود و «عمل به شریعت» نقطه آغاز سیر و سلوک عارفانه است. در مذهب تشیع، هرچند ارکان مسلمانی «محبت و معرفت به خدا و پیامبر و فاطمه زهرا و دوازده معصوم علیهم السلام» هستند، ولی شریعت و التزام به آن سبب می شود که یک شیعه به درجات اخلاص و معرفت نایل آید. بنابراین، در عرفان شیعی، به دست آوردن «حقیقت» از «عمل به شریعت» جدا نیست. به همین دلیل، بعضی از محققان «شریعت» و «طریقت» و «حقیقت» را لایه های این دین می دانند. در مذهب تشیع، محبت به خدا و محمد و آل محمد علیهم السلام از راه اجرای اعمال شرع تعریف می شود و انسان بدون بجای آوردن فرایض و مستحبات فقه شیعی نمی تواند در وادی محبت و اعتقاد و ایمان و عرفان، ثابت قدم بماند.

سرکار خانم اودولیا مونیس (نرگس شهرابی)

بانوان شیعه: خانم اودولیا مونیس ضمن عرض سلام و تشکر بفرمایید ملیّت شما چیست و انگیزه تان برای تشرّف به مذهب تشیّع چه بوده است؟

با سلام. ارتباطی که با شیعیان مقیم آمریکا داشتم و بعد از آن، مسافرت به ایران و ارتباط نزدیک با شیعیان ایران، سبب آشنایی من با اسلام و تشیّع شد. من با تحقیقاتی که درباره اسلام کردم و آن را با مسیحیت مقایسه نمودم، به این مطلب پی بردم که در این مذهب، نقاط قابل توجهی وجود دارند. من چون می دانستم که خداوند همه جا هست، به امید او به ایران آمدم. در رسانه های غربی و دستگاه های تبلیغاتی غرب، درباره اسلام و تشیّع، تبلیغات سوء فراوانی صورت می پذیرند و چهره بسیار زشتی از اسلام و مسلمانان ارائه می شود. ولی وقتی که از نزدیک با ایشان آشنا شدم، به این نتیجه رسیدم که آن تبلیغات درست نبوده اند.

بانوان شیعه: چه جاذبه ها و نقاط جالب توجهی از مذهب تشیّع سبب جذب شما به این دین شد؟

من اسلام را همان مسیحیت یافتم ولی مسیحیتی که به استكمال رسیده و نقائص آن برطرف شده است.

در آیین مسیحیت، در مسائل جزئی و دستورالعمل های مربوط به مطالب به ظاهر ساده و کوچک، حکمی وجود ندارد، ولی در اسلام قوانین فراوانی وجود دارند و درباره همه مسائل واقعی حیات فردی و اجتماعی انسان، دستوراتی موجودند. برای مثال، برای تربیت فرزندان، در اسلام دستورات خوب و متعدّدی وجود دارند و برای هر کس که می خواهد به جایی برسد راه هایی ارائه شده اند. من در کلیسا مدتی الهیّات مسیحی را می آموختم. مادرم نیز یک مسیحی معتقد بود. من تمام مطالب انجیل را می دانم، ولی با وجود این، ما در اسلام هر روز مطلب تازه ای یاد می گیریم. ولی پس از آموختن مطالب، هر کسی دو راه دارد: می تواند عمل کند و می تواند عمل نکند. در اسلام، مطالب زیادی وجود دارند. وقتی پله پله و مرحله مرحله می خواهیم عمل کنیم، امکانش هست.

من در آن زمان که مسیحی بودم با خود می اندیشیدم که کلیسا در درون من است و هم اکنون می پندارم که باید کعبه در دل من باشد.

یکی دیگر از جاذبه های دین اسلام این است که پایه محبت کردن مردم به یکدیگر در این دین وجود دارد. البته ممکن است مسلمانان در عمل به دین خود، کوتاهی کنند و آن گونه که اسلام توصیه کرده است، در مقام تحمّل و صبر و گذشت نباشند.

بانوان شیعه: از بین جاذبه های متعدد دین اسلام، آنچه برای شخص شما بیشتر اهمیت داشته چه بوده است؟ و آیا به جا آوردن اعمال دینی مثل نماز برای شما مشکل نیست؟

شاید مهمترین نکته اسلام برای من، توجه فراوان این دین به جایگاه زن بوده است. حقوق و تکالیفی که در اسلام برای زن در نظر گرفته شده اند و جایگاه او را تعیین می نمایند، بسیار مهم و ارزشمندند. در اسلام، زن به عنوان

یک مادر و یا به عنوان یک دختر و یا به عنوان یک همسر، قابل تجلیل و تکریم است. این مطالب خیلی برایم جالب توجه بوده اند. به جای آوردن اعمال و مراسم دینی برای شخص من آسان است زیرا من شاهد ساعت های متوالی دعا و عبادت مادرم بودم که در زمان های مختلف و به مدت طولانی نیایش می کرد.

سرکار خانم آتانوس رنالان (زهره زرنوش)

بانوان شیعه: ضمن عرض سلام و تشکر خانم رنالان لطفاً خود را معرفی کنید و به صورت مختصر، علت شیعه شدن خود را بیان فرمایید.

من آتانوس رنالان متولد ارومیه هستم. بعد از مسلمان شدن، نام خود را به انتخاب همسر زهره گذاشتم. مدت های مدیدی از زندگی نوجوانی و جوانی خودم را در فرانسه و شوروی (سابق) گذرانده ام و در ایران نیز در کلیسای ارتدکس ارومیه بخش هایی از الهیات مسیحی را تدریس نموده ام. این جانب در اثر یک حسن اتفاق که با همسر کنونی ام آشنا شدم و از این طریق و با خواندن کتاب های مذهبی تحت تأثیر شخصیت امامان شیعه قرار گرفتم، مجذوب آیین تشیع گردیدم.

بانوان شیعه: محتوای کتاب هایی که انگیزه تشرف به تشیع را در شما زنده کرد چه بود؟

این کتاب ها بیشتر در زمینه مباحثی همچون نماز و عدل و نبوت و زندگی و رفتار بسیار زیبا و با عظمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودند.

بانوان شیعه: جذابیت های مذهب تشیع بیشتر در چه زمینه هایی برای شما نمودار شدند؟

شاید بیش از هر چیزی، شکنجه ها و رنج هایی که شخصیت های محبوب شیعه در راه گسترش تشیع متحمل شده اند، مرا تحت تأثیر قرار داده باشد. وقتی با جلوه های رفتاری و نوع برخوردها و معاشرت معصومان علیهم السلام آشنا می شدم، یک حس درونی مرا به ایشان مجذوب می کرد. همسر به فاطمه زهرا علیهاالسلام بسیار علاقه مند، بود تا آنجا که می گفت: من با خود عهد کرده بودم که نام همسر آینده ام فاطمه یا زهرا باشد و این علاقه نیز سبب شد که مقدرات به سمت و سویی پیش رود که نام مستعار من نیز زهرا باشد. وجود حضرت فاطمه علیهاالسلام نیز به صورت اسرارآمیزی مرا مجذوب خود نمود و ایشان از جهات گوناگون می توانست الگوی کامل و همه جانبه ای باشد. من با حس درونی خود، مقام ایشان را بسیار بلند و بلندمرتبه حس می کنم. یکی از اسامی حضرت فاطمه علیهاالسلام «صدیقه» است و چون من قبل از تشرف به تشیع نیز به صداقت خیلی اهمیت می دادم، راستی و صداقت وجود ایشان خیلی برای من دوست داشتنی بود.

بانوان شیعه: از مقایسه تصویر وجودی حضرت فاطمه علیهاالسلام و حضرت مریم علیهاالسلام چه مطلبی به ذهنتان خطور می کند و چه حسی به شما دست می دهد؟

حضرت مریم علیهاالسلام یک وجود مبارک و نازنین و مقدّس است، ولی مقام حضرت فاطمه علیهاالسلام متعالی تر و بلندمرتبه تر از حضرت مریم علیهاالسلام می باشد. کرامت و معجزه ظهور حضرت عیسی علیه السلام و تحیت او به مریم باکره علیهاالسلام نشان دهنده این است که آن حضرت علیهاالسلام منزلت بسیار بلندی نزد خدا داشت، ولی با این وجود، به اندازه رنج هایی که حضرت فاطمه علیهاالسلام در راه دین و گسترش آیین حقیقت متحمل شد، رنج نکشید. سیمای حضرت مریم علیهاالسلام نزد من یک سیمای مقدّس و صبور است، ولی دردها و رنج های حضرت فاطمه علیهاالسلام بسیار بیشتر از حضرت مریم علیهاالسلام بود. من نه فقط به لحاظ اعتقادات اسلامی، بلکه بنا بر یک حس درونی درمی یابم که مقام حضرت فاطمه علیهاالسلام بلندتر از مقام مریم قدّیس است.

بانوان شیعه: چه مسائلی در مذهب تشیع وجود دارند که وقتی آن ها را با بعضی از مسائل متناظر در آیین مسیحیت مقایسه می کنید، کامل بودن و رجحان داشتن مذهب تشیع را نتیجه می گیرید؟

در آیین تشیع، در هر مسئله جزئی که وارد می شدم، درمی یافتم که احکام فراوانی تکلیف آن مسئله را روشن کرده اند، حتی درباره امور معمولی همچون راه رفتن و خوابیدن، احکام فراوانی در مذهب تشیع وجود دارند. یک شیعه حتی در وقت خواب می داند که بهتر است چگونه بخوابد، بهتر است به کدام جهت قرار گیرد، بهتر است چه ذکری را بر لب جاری کند و بهتر است در چه ساعتی بخوابد و در چه وقتی بیدار شود. وجود این دستورالعمل های فراوان باعث می شود که انسان دیندار قانع شود و در هیچ موردی به بن بست نرسد. ولی در مسیحیت، هیچ کدام از این مطالب وجود ندارد. در مسیحیت، دستورهای جزئی و دقیق بسیار ندارند.

نکته بسیار مهم دیگری که در مقام مقایسه، سبب می شود نمودهای دستورات مذهب تشیع برایم جالب توجه تر باشند، این است که در این مذهب، در عین حال که بر انجام عبادت ها و ارتباط با خدا تأکید شده است، تأکید زیادی هم بر این معنا صورت گرفته که این عبادات جمعی برگزار شوند؛ یعنی یک شیعه با توجه به دستورات آیین خود، می آموزد که ارتباط با خدا در عین ارتباط با خلق خدا امر ممکن و مطلوبی است. در مسیحیت، امور عبادی، مثل نماز و روزه بیشتر جنبه فردی دارند. در آیین مسیحیت، یکی از تفاسیر این است که باید در سال، ۵۰ روز روزه، گرفت ولی این روزه وقت مشخصی ندارد و هر کس هر وقت بخواهد می تواند روزه بگیرد. ولی در اسلام، این وقت مشخص است و از این نظر، در یک ماه همه با هم روزه می گیرند. این عبادت دسته جمعی صفای بیشتری دارد و انسان را بیشتر به خدا نزدیک می کند. نماز جماعت هایی که هر روز شیعیان در سه وعده برگزار می کنند جلوه هایی جذاب و دوست داشتنی دارند که در هیچ مذهب و آیین دیگری وجود ندارند.

نکته سومی هم که در مقام مقایسه باید ذکر کنم این است که بسیاری از آموزه های دین اسلام توسط علوم جدید تأیید شده اند. در قرآن و سنت اسلامی، پیش گویی های علمی فراوانی وجود دارند. دستورات جزئی و کلی، که در تشیع وجود دارند و پس از چهارده قرن، امروزه علم از روی بعضی از اسرار آن ها پرده برمی دارد. وجود میکروبی

در آب دهان سگ، که فقط با خاک (تعفیر) پاک می شود و بسیاری از امور دیگر مطالبی هستند که علم جدید آن ها را اثبات کرده است. ولی در آیین مسحیت، ما مطالب مهمی را که بتوانیم آن ها را بدین صورت به عنوان نمونه های ارتباط علم و دین معرفی کنیم، نداریم و حتی در مواردی نیز علوم جدید بعضی از آموزه های تحریف شده دین مسیحیت را زیر سؤال می برند. مذهب تشیع آن قدر به علم و تحصیل بها داده است که من فکر می کنم در هیچ مذهب و دین دیگری تا این اندازه بر علم پافشاری نشده است. اگر این نکته برای جهانیان بازگو گردد قطعاً قدرت جذّابیت آیین تشیع بالا می رود.

بانوان شیعه: یکی از خاطرات مذهبی را که طی مدت تشرف به مذهب تشیع برایتان جالب توجه بوده و سبب تحکیم عقیده شما به این مذهب شده است، بیان نمایید.

مهم ترین خاطره ای را که در این رابطه دارم خاطره سفر به حج عمره است. من با همسرم رابطه بسیار خوبی داریم و بسیار به هم نزدیک هستیم و هیچ مسافرتی (حتی کوتاه مدت) بدون هم نرفته ایم تا اینکه در یک قرعه کشی، تشرف به حج عمره به نام همسرم افتاد، ولی ایشان همت کرد و با بیان سابقه من برای مسئولان اجازه مرا نیز گرفت و توفیق یافتم که با هم به حج مشرف شویم. من هنگام شنیدن بعضی از مسائل عاطفی کمتر رقت می کردم و اشک می ریختم، ولی نمی دانم لحظه ای که در مقابل قبر پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفتم، چه اتفاقی افتاد و در روح من چه تحولی پدید آمد که بسیار منقلب شدم. من نمی توانم این واقعه را شرح دهم؛ چون آن حالی که بر قلب من گذشت، نوعی حس درونی بود! نمی دانم از آن حالت چه تعبیری داشته باشم^(۱)! ولی شیرین ترین و زیباترین لحظه عمرم، لحظه ای بود که با قبر پیامبر صلی الله علیه و آله روبه رو شدم. از سوی دیگر، وقتی به بقیع مشرف شدم، ارتباطی که با صاحبان این قبور برایم پیش آمد، مرا به حقانیت این مذهب بیشتر معتقد کرد. از آن پس، هر وقت کسی به حج می رود و یا می شنوم که از حج برگشته است، قلبم می شکند و آرزو می کنم که ای کاش من هم موفق شوم دوباره به حج مشرف گردم.

بانوان شیعه: آیا در خاطرات قبل از تشرف شما به تشیع، مطلبی وجود دارد که زمینه ساز استقبال شما از آیین تشیع شده باشد؟

بله، شاید شک ها و تردیدهایی که درباره بعضی از مطالب الهیات مسیحیت برایم پیش می آمدند زمینه خوبی برای جذب من پیش آوردند؛ زیرا واقعاً تصویری را که من از خدا داشتم، با تصویر پسر خدا بودن حضرت عیسی علیه السلام متناقض می یافتم و حتی در مبانی الهیات مسیحی و عرفان و فلسفه مسیحی هم مطالبی که بتوانند کاملاً این مطلب را روشن کنند، وجود ندارند. ولی در آموزه های دین اسلام، مطالبی درباره جایگاه و مقام حضرت عیسی علیه السلام وجود دارند که هرگز مقام او را تنزل نمی دهند، بلکه بر مقام او می افزایند. در دین اسلام، عیسی روح الله است و پسر خدا نیست و این مطلب حتی از نسبت پسری برای خدا بالاتر است.

البته در پایان مطلب هم باید ذکر کنم که نوع برخورد و رفتار همسر^(۲) با من، چه قبل از تشرّف به اسلام و چه بعد از آن، از زمینه های جذب من بود؛ زیرا ایشان مرحله به مرحله و آرام آرام مرا با ابعاد گوناگون دین اسلام آشنا کرد.

۱۱. این بانوی مسلمان شده با یادآوری این خاطره در حین مصاحبه، اشک می ریخت.

۲. همسر ایشان جناب آقای حسن زرنوش، مسئول دبیرخانه دانشگاه آزاد قم می باشد.